

نویسنده: یوژی ژائو، مانثلی رویو، شماره ی 5، جلد 64، اکتبر 2012

پیشگفتار مترجم

در چرخش به آلترناتیو مکانیسم بازار آزاد، از سرمایه داری دولتی بحران زده، رهبریت حزب کمونیست شوروی مجبور شد هم بلحاظ سیاسی و هم اقتصادی، یا به سخن رایج آن زمان به رفرمهای گلاسناست و پروسترویکا روی بیاورد. محصل اینکه، شوروی سابق از جنبه ی سیاسی به تجزیه ی خاک و از سویه ی اقتصادی به فلاکت و هرج و مرج، سرکردن گروه های مافیائی و غیره دچار گردید. گرچه، تسلط گرایش راست بر حزب کمونیست چین تجربه ی نابود کننده ی شوروی را نداشت، ولی، آنها عاقل تر از این بودند که در چرخش به راست نه لیبرالیسم سیاسی، بلکه بخشا از لیبرالیسم اقتصادی برای فرایند توسعه ی اقتصادی استقبال کنند- هنوز، دولت چین ده ها هزار کارخانه را اداره می کند. رهبری حزب کمونیست چین برنامه و دیسیپلین حزب کمونیست را حفظ کرده است. اولی را چون قرآن مسلمانان روی طاقچه گذاشتند، ولی از دومی در تبدیل کردن دهقانان به برده های-مزدی و کشیدن ارزش اضافی از آنها، تحت نام «ساختمان سوسیالیسم با خصلت چینی» استفاده کردند. اما، اگر بوروکراسی حزب کمونیست شوروی سابق، تحت رهبری گورباچف بند نافش را از هر چه بنام کمونیسم بود، برید: حزب کمونیست چین با نگاه داشتن اسمی کمونیسم زخم را لای گوشت روابط سرمایه داری رها کرد. این تناقض در ادعای لفظی به سوسیالیسم، خطاب به رفقا در کنگره، نگهداری داس و چلش، رنگ سرخ و پرچم سرخ، نقش تصویر مائو روی اسکناس، آویزان کردن تابویش در میدان تین آمین و غیره، و از سوی دیگر ظاهر شدن میلیاردرها، ماشین های رولز رویس، زندگی مجلل طبقه ی نو رسیده ی سرمایه دار، فساد و رشوه خواری و غیره: مهم تر از همه استثمار وحشیانه ی طبقه ی کارگر نمی توانست و نمی تواند زمینه ساز اعتراض علیه این وضع موجود نباشد. آقای شی زین پینگ، دبیر کل انتخابی جدید حزب کمونیست چین و رئیس دفتر سیاسی، پولیت بورو، در اولین نطق اش مجبور می شوند از وجود رشوه و فساد گسترده، مشکلات اقتصادی خطیر، از بهبود تامین رفاه عمومی و غیره سخن بگویند: در جلسه ی معارفه با ژنرال ها، به همراه رهبری مستعفی، آقای شی زین پینگ و سایر اعضای دفتر سیاسی جدید با لباس مائو ظاهر شوند، همه ی اینها گوشه هائی از مشکلات و تناقضات سوسیالیسم بازار، و یا تناقضات بنیادی سرمایه داری، یعنی مشکل انباشت چین را نشان میدهند. برابر با تحلیل مارکس از فرایند تولید سرمایه داری، برای اینکه حزب کمونیست چین شکاف عظیم طبقاتی را کاهش دهد: یا به سخن دیگر رفاه عمومی طبقه ی کارگر و دهقانان را ارتقا دهد، دو راه بیشتر وجود ندارد:

یکم، برای افزایش دستمزد کارگران، نرخ شدت استثمار مطلق، یعنی ساعات کار را بالا ببرد. آیا این شق ممکن است؟ دوم، برای افزایش دستمزد کارگران، نرخ شدت استثمار نسبی را از طریق افزایش بارآوری کار، با استفاده از ماشین آلات و ربات های پیشرفته تر، افزایش دهد. در این حالت، سرمایه کارگر کمتر استخدام کرده و نرخ بیکاری افزایش خواهد کرد. مشاهده می شود که هر یک از دو راه کار تضاد متقابلش را بروز خواهد داد. بالاخره، در شرائط بحران ساختاری جهان سرمایه داری و کاهش رشد توسعه ی اقتصادی چین، به قول معروف، دیوار چین نه سرمایه داری این کشور را از روندهای اعتراضی جهان سرمایه داری و نه از خیزش کارگران صد ها میلیونی این کشور مصون خواهد کرد. لذا، انتظار وقوع برآمد های اجتماعی در چین غیر محتمل نیست. سخن آخر، هر نقدی بر نوشته ی «یوژی ژائو» و سیاست های «بو زیلا» وارد باشند، من آنها را به نقد و نظرات خواننده می گذارم. به این نکته نیز اشاره کنم، که 18مین کنگره ی حزب کمونیست چین به تاریخ 8 نوامبر گشایش یافت، ولی نگارش نوشته ی بالا به اوائل سپتامبر امسال بر می گردد.

متن مقاله ی یوژی ژائو

از میدان تحریر تا وال ستریت، از آتن تا مونترال، رویاهای رهائی موج تازه ای از شورش ها را در سراسر جهان بسیج می کنند. آن سوی دیگر، نیروهای سرکوبگر همه جا شتابان براه افتاده تا مکانیزم های جدید مهار اجتماعی را با هدف برپاکردن» شرائط جدید کسب ارزش اضافی» در پس بحران سرمایه داری طولانی تحمیل کنند. عده ای در پی آمد بهار عربی قیام فراگیری را در چین پیش بینی کردند. در عوض، از بهار 2012 جهان شاهد یک درام هیجان انگیز مبارزه در درون قدرت حاکمه ی چین، حول برکنار کردن رهبر حزب کمونیست استان چونگکینگ و عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست چین «بو زیلا»، و منجمله از بین بردن مدل توسعه ی چونگکینگ، گردید. گرچه «ح ک چ» توانست جلو شورش اجتماعی گسترده ای را مهار کند، با این وجود پراکندگی و تفرقه در درون قدرت حاکمه، در خلال سال جاری به کانون مبارزه ی سیاسی خطرناکی برای انتقال قدرت در چین شده است.

برکنار کردن «بو زیلا»، آن چنان مهم بوده است که به عنوان یک زلزله ی سیاسی در همان مقیاس سرنگونی «لین بیائو» جانشین مائو در سال 1971 و یا سرکوب برآمد میدان تین آمین در سال 1989 ارزیابی می شود. بو زیلا نه یک فرد عادی

عضو دفتر سیاسی حزب- بالاترین ارگان رهبری کشور- کمونیست چین بوده- است، و نه مدل چونگ‌کنینگ یک «نمونه‌ی آزمایشی از رویکرد به عدم تمرکز» عادی دیگری از ویژگی‌های آن چنانی سیاست‌گذاری‌های ح ک چ. آن چه در این ماجرا بیشترترین اهمیت را داشت، و از طرف رسانه‌های گروهی تاکید می‌شد، تفاوت متقابل، یا ماهوی، بین دو مدل توسعه: «مدل گوانگدونگ» و «مدل چونگ‌کنینگ» بود. گوانگدونگ نمادین رویکرد بیشتر به سوی مکانیسم بازار آزاد، افزایش عدم برابری، و جهت‌گیری تولید برای صدور بود. چونگ‌کنینگ نماینده‌ی خصلت زنده کردن دوباره‌ی ایده‌های سوسیالیستی و ادعای مردمی و سوق دادن به رشد سریع و موزون بود. آنچه امروز در خطر است، نه تنها سرنوشت «بوزیلا»، بلکه گذشته‌ی انقلابی چین، تقاطع پیچیده‌ی سیاست‌های داخلی و فراملی، و مبارزه‌ی ناتمام برای سوسیالیسم چین را ترسیم می‌کند.

سایت‌های خبری چینی با گرایش چپ، برکناری بوزیلا را - «کودتای 15 مارچ» نامیدند. چونکه در 15 مارچ او را برکنار کردند - مخالفانش در رهبریت مرکزی ح ک چ، نه تنها تلاش کردند مانع شوند که او محتملاً موقعیت قدرتمندی در دفتر سیاسی بعدی کسب کند، بلکه همچنین جلو جهت‌گیری برای برابری طلبی در راه توسعه‌ی چین را بگیرند. جناح راست به سهم خود بوزیلا و متحدانش را متهم می‌کرد که قصد کودتا برای بدست گرفتن قدرت را داشتند و می‌خواستند چین را به گذشته‌ی تاریک روزهای انقلاب فرهنگی برگردانند. البته، رویداد‌های واقعی بسیار پیچیده و درهم برهم‌تر از این اتهامات ساده‌ی کودتا و ضد کودتاست.

امروز، خطوط عمده‌ی داستان‌گونی از رویداد «بوزیلا» آشکار شده است. در 6 فوریه 2012 کمی پیشتر از اینکه معاون رئیس‌جمهور چین شی جین‌پینگ از آمریکا دیدن کند، «وانگ لیجون»، فرد دست راست بوزیلا و رئیس پلیس چونگ‌کنینگ، در مبارزه علیه کانگسترها معروف شده بود، تلاش کرد که از کنسولگری آمریکا در شهر چنگو درخواست پناهندگی کند. بعد از مذاکرات طولانی بین مقامات کنسولگری و چین، ونگ از طرف مقامات امنیتی مرکزی چین به پکن برده شد. در یک کنفرانس مطبوعاتی در پکن به تاریخ 9 مارس، بوزیلا مسئولیت رفتار و انگ را به عهده گرفت، ولی قویاً از فعالیت‌های او در چونگ‌کنینگ دفاع کرد. در 14 مارس نخست وزیر چین «ون جیابو» علناً رهبریت «بوزیلا» در چونگ‌کنینگ را توییح کرد، و این رهبریت را متهم کرد که تلاش دارد انقلاب فرهنگی را زنده کند. فردایش در تاریخ 15 مارس، بدون توضیحی بوزیلا از سمت رهبری حزب کمونیست چونگ‌کنینگ برکنار شد. سپس، ساعت 11 شب روز 10 آوریل، خبرگزاری رسمی چین خبری به عنوان «ترس نیمه شب» در افسانه‌ی بوزیلا، پخش کرد که بوزیلا از عضویت در کمیته‌ی مرکزی و دفتر سیاسی برکنار شده است. برای نشان دادن تلاش رهبری در سرپوش گذاشتن به هرگونه تفرقه‌ی سیاسی پایه‌ای، گفته شد که بوزیلا بواسطه‌ی ارتکاب به تخلف‌های جدی انضباطی تحت تحقیق قرار دارد، در حالی که همسرش «گو کایلی» بخاطر مظنون بودن به کشتن نیل هیوود، گفته شد یک «معامله‌گر تجاری انگلیسی» بود، که رابطه‌ی نزدیکی با او و فرزندش داشته است. در 9 اوت 2012، در یک دادگاه شدیداً کنترل شده، شبیه به یک دادرسی سیاسی نمایشی، که بسیاری از سئوالات را بی‌جواب گذاشت، همسر بوزیلا، گو کایلی به اتهام کشتن نیل هیوود محاکمه و مقصر شناخته شد. در تاریخ 20 اوت، «گو کایلی» حکم اعدام تعلیقی گرفت.

بعد از اطلاعیه‌ی 10 آوریل، غیر از اینکه برای جلب افکار عمومی حول رهبریت دفتر سیاسی یک مبارزه‌ی تبلیغاتی بی سابقه‌ای را فوراً راه بیندازند، خبرگزاری رسمی چین اطلاعیه‌ی بیشتری در باره‌ی افسانه‌ی بوزیلا منتشر نکرد، تا اینکه اخبار کاملاً دست چین شده راجع به محاکمه‌ی همسر «بوزیلا» را پخش کردند. در حقیقت، دستگاه مهندسی افکار دولت چین آگاهانه کوشید تا در طول تمام تابستان مردم چین را در خصوص رویداد «بوزیلا» بی اطلاع باقی بگذارد. در ضمن، در طول بهار و بخش قابل ملاحظه‌ای از تابستان 2012، «ماشین شایعه‌سازی» حول داستان «بوزیلا» با شدت در خارج از چین کار کرد و از طریق منافذ موجود در «دیوار سانسور رسانه‌ای قدرتمند چین» به درون این کشور نیز راه یافت. دستگاه‌های رسانه‌ای قدرتمند انگلیسی-آمریکائی، نظیر مجله‌ی وال استریت، نیویورک تایمز، فایننشیل تایمز، دیلی تلگراف- همراه با رسانه‌ی فالون گونگ و وب سایت دست راستی به زبان چینی خارج از این کشور، مانند سایت اینترنتی بوکسن کام از بنیاد ملی آمریکائی کمک به دموکراسی- داستان‌های جنجالی رشوه‌خواری و توطئه‌گری‌ها علیه «بوزیلا»، تا از شنودهای مکالمات مخفیانه‌ی تلفنی «هو جین تائو» برای ارسال مبالغ هنگفت مالی غیر قانونی به خارج از چین، از درگیر شدن در ارتباطات خطرناک با مقامات نظامی عالی رتبه تا اختلافات با کلان سرمایه‌داران نوکیسه‌ی چینی را منتشر کردند. اما، باید گفت که به علت نا روشن بودن ماجرا، این سوال مطرح می‌شود: چقدر از این اطلاعات ممکن است مستقیماً از طریق افراد درون ح ک چ به بیرون از این کشور درز کرده باشند؟ در موقعیتی که امروز، برای حاکمان کشورهای سرمایه‌داری غرب بیش از پیش اهمیت دارد با همکاری همدیگر به بحران سرمایه‌داری جهانی سرو سامان دهند، چه سطحی از همکاری بین مقامات چینی، آمریکائی و انگلیسی در این درام ظاهری وجود دارد؟ اکنون که یک مبارزه‌ی سیاسی شکل یک قتل جنجالی را به خود گرفته است، باید دید بعد چی می‌شود؟

ما بجای اینکه روی جزئیات مکث کنیم، که بسیاری از جنبه های آن تا مدت ها همچنان در پشت پرده خواهند ماند، این نوشته تلاش دارد تا زمینه های تاریخی و محتوای سیاسی مدل چونگکینگ را برجسته کند. این مدل در میان توده ها نور امید افکند و متقابلاً آن عده ای را که از اصلاحات وارده در چین سود برده اند به وحشت انداخت. این مدل به سرعت تجلی واقعی یک پروژه ی بازسازی سوسیالیستی شد، گرچه جنبه های کج و معوج و حتی انحرافی داشت. از یک طرف، اتحاد بی سابقه ی رسانه های گروهی سرمایه داری های انگلیسی-آمریکائی و رسانه های دست راستی چینی زبان و وبلاگ های اینترنتی «بو زیلا» را به عنوان یک فرد فاسد، خطرناک، فرصت طلب و بدخواه تصویر کردند. از سوی دیگر، عده ای از چپ ها هرگونه تصویری از سوسیالیسم در چین را قویاً زیر سؤال می برند. تاکنون گفتمان مبارزه برای سوسیالیسم در چین مآلاً در رسانه های خبری گروهی و مفسران سیاسی غایب بوده است. با تمام این ها، مبارزه برای سوسیالیسم مهم ترین جنبه ی داستان «بو زیلا» را در بر می گیرد. سیاست های رسانه ای پیچیده و مرموز حول داستان «بو زیلا» شدیداً بازتاب نشانه های قوی از کشمکش های نگران کننده در داخل چین و فراملی حول سرنوشت آینده ی چین ادامه داشته است. بنابراین درام واقعی فراتر از موضوع بوزیلا و گسترده تر از مدل چونگکینگ را در بر می گیرد.

چونگکینگ و دیالکتیک اصلاحات چین

اگر اندیشه ی مائوتسه تنگ برای دوره ای به عنوان یک ایدئولوژی مسلط در خدمت راه برد سوسیالیسم چینی در قرن بیستم قرار گرفت، دو تا از شعارهای «دینگ شیاپینگ»: «بگذار اول عده ای ثروتمند شوند» و «توسعه حقیقتی به سختی فولاد است»، از آن به عنوان قوی ترین حربه ی ایدئولوژیک برای توجیه کردن راه توسعه ی اقتصادی برای دوره ی پسا-مائو استفاده شد. این را نیز بگونه ای که این راه چین را از یکی از عادلانه ترین جوامع تحت رهبری مائو به یکی از ناعادلانه ترین کشوری در جهان معاصر متحول کرد، تعجبی ندارد که عده ی کاملاً قلیلی ادعای حزب کمونیست چین را مبنی بر اینکه دارد «سوسیالیسم با ویژگی های چینی» را می سازد جدی بگیرند. بهر حال، برای بسیاری از چینی ها، که تجارب عینی آن سوسیالیسم را زندگی کرده اند- هم جنبه های مثبت و هم منفی اش- واقعیتی کنکرت بوده است، همچنانکه تناقضات بین حرف ها و کنش های چین معاصر یک واقعیتی. علیرغم فرمان «دینگ شیاپینگ دیگر «بحث نشود»- یعنی اینکه اصلاحات پسا-مائوتسه تنگ سرمایه داری اند یا سوسیالیست دیگر نباید بحث کرد- مبارزات ایدئولوژیک علنی و پنهانی راجع به جهت گیری راه اصلاحات چین، تناقضات درونیش، و اختلافات اجتماعی گوناگون رهبریت حزب کمونیست را وادار کرد که از یک طرف همچنان به لفاظی های سوسیالیستی به پردازند، و از سوی دیگر همچنان تلاش کردند همان راه توسعه ی پسا-مائوتسه تنگ را ادامه دهند.

به قدمت 2003، حزب کمونیست چین دکترین توسعه ی اقتصادی دینگ شیاپینگ را تعدیل کرد و «مفهوم توسعه ی علمی» را ترویج کرد-یعنی، توسعه ی مردم-محوری، راه توسعه ی اجتماعی و بوم پسند ادامه دار. در اکتبر 2007، 17مین کنفرانس ملی حزب کمونیست چین رسماً خود را متعهد کرد که «به تحول شیوه ی توسعه ی اقتصادی چین شتاب دهد». بروز بحران مالی جهانی در سال 2008، نه تنها انرژی تازه ای به خواست «نوسازی سوسیالیسم» به مثابه تنها آلترناتیو در مقابل انحلال بیشتر سوسیالیسم در شیوه ی سرمایه داری تزریق کرد، بلکه همچنین رهبریت دفتر سیاسی حزب کمونیست چین را مجبور کرد که به لفاظی های سوسیالیستی اش مبنی بر تغییر جهت گیری توسعه ی چین از الگوی متداول محاسبه ی «رشد تولید داخلی» و صادرات-محوری شدت بخشد. معهدا، یک بلوک قدرتمند سرمایه های فراملی، صنایع صادراتی واقع در مراکز صنعتی ساحلی چین، و مقامات صنایع دولتی طرفدار سرمایه داری - همچنین رسانه های گروهی نیولیبرال، رهبران روشنفکر، و پشتیبانان اقلشار مرفه - همچنان تلاش دارند که جلو هر کوشش جدی برای تغییر دادن راه توسعه ی چین را سد کنند (برجستگی از من).

بر بستر این شرایط، موقع چونگکینگ را تحت رهبری «بوزیلا» باید فهمید، جایی که تلاش های قابل توجهی برای یک راه توسعه ی اجتماعی دوماً دنبال شد. بیشتر چونگکینگ یکی از شهرهای استان سیچوان بود، در سال 1997، چونگکینگ به موقعیت مرکز استان ارتقا پیدا کرد. این استان با جمعیت عظیم دهقانی (در سال 2010، 70 درصد از جمعیت 32 میلیونی آنرا دهقانان تشکیل می دادند) با یک جغرافیای کوهستانی در جنوب غربی داخلی چین واقع شده است، چونگکینگ نمونه ی کوچکی از ترجمان اوضاع عمومی چین می باشد. چونگکینگ، نه تنها با بعضی از وخیم ترین چالش های اجتماعی-اقتصادی روبرو بود، بلکه همچنین تمام مشکلات سرمایه داری نوع نیولیبرال، از جمله یک اقتصاد مافیائی را عیان می کرد. در اواخر 2002، بوزیلا، که تا آن زمان تجربه ی حکومت محلی را، اول در شهر دالیان و سپس در استان لیونینگ، پیش از اینکه در سال 2003 وزیر تجارت گردد، کرده بود، به عنوان دبیر حزب به چونگکینگ گسیل شد.

هنوز چونگکینگ افتخار می کند که در جنگ داخلی پایتخت و مرکز مبارزات ضد فاشیسم بین سال های 1937-1946 بود. چونگکینگ به کلامی با جاری شدن خون کمونیست های کشته شده در جنگ های سخت بین کمونیست ها و نیروهای چیانگکیشک ناسیونالیست، شهر چونگکینگ سرخ فام گردیده بود. بعدها، چونگکینگ به یکی از مراکز عمده ی صنایع نظامی در دوران جنگ سرد در آمد. وجود این صنایع یک طبقه ی کارگر قوی ای را پرورش داد، که تا میانه ی دهه ی 2000 در جبهه ی مقدم مبارزه علیه خصوصی سازی بودند. همانند سیر رشد تمام شهرهای بزرگ-متروپلیس-در خلال دوران اصلاحات، چونگکینگ یکی از وخیم ترین جا به جایی های اجتماعی را به دوش کشید، که توسعه ی پسا-مائوتسه تنگ و مدرنیزه کردن به چین تحمیل کرد، نه تنها کوچ دادن مردم برای ساختن سد معروف سه دره، ثری گوجس، بلکه همچنین مراقبت از افراد سالمند و کودکان بی پناه و وامانده، که کوچ نکرده و در دهات مانده بودند، و دهقانان از زمین کنده شده که به شهرهای صنعتی ساحلی

مهاجرت می کردند، مشکلات عدیده ای برای چونگکینگ ساخته بودند. از سال 1997 بعضا به این دلایل مقامات مرکزی به چونگکینگ آزادی نسبی برای یکی کردن توسعه ی شهر و دهات را دادند. «بو زیلا»، فردی جاه طلب، جذاب، و با اراده ای قوی، «شاهزاده ی سرخ» (بو زیلا فرزند یکی از رهبران انقلابی) شخصی که پایگاه قدرت قابل ملاحظه ای در میان نخبگان سیاسی و نظامی چین داشت، تلاش می کرد که دوباره بازمانده های انقلابی چین را زنده کرده و با پشتیبانی مردمی در تلاشش برای کسب موقعیت سیاسی بالاتری به پکن برگردد. این ترتیب ویژه ی اجتماعی-اقتصادی، سوق الجیشی، همچنین نفوذ گذشته ی شخصیت های چونگکینگ منشاء بروز مدل این شهر گردید.

سنگ بنای مدل چونگکینگ از یک بخش عمومی، یا دولتی، بزرگ و تمرکز روی رفاه عمومی قرار داشت. در 8 اوت 2012 مقاله ی سیاست خارجی این گونه نوشت، مدل چونگکینگ، در حالی که نقش دولت و حزب را نگهداشت، یک تجربه ی جسارت آمیز در استفاده کردن از سیاست دولت و منابع دولتی برای پیشبرد منافع مردم عادی را پیاده کرد. بویژه، دولت محلی بطور قابل ملاحظه ای نقش اش را در اقتصاد، از طریق ایجادکردن 8 شرکت سرمایه گذاری بزرگ، که با هویت اقتصاد بازار فعالیت می کرد، ولی هدفش در خدمت یک توسعه ی عادلانه بود، افزایش داد. مشابه با این سیاست، یک شرکت سرمایه گذاری دولتی، برخلاف سرمایه ی خصوصی، کنترل گسترده ی «سرمایه ها ی ضعیف» بیش از 11600 شرکت های دولتی باز مانده از دوران مائوتسه تنگ را بدست گرفت و آن ها را باز سازی کرد، و به شرکت های توانمندی توسعه داد. به نتیجه، دارائی مالی شرکت های دولتی چونگکینگ بطور تصاعدی رشد کردند. چونگکینگ دست به اقدامات متهورانه برای کاستن از فاصله ی اقتصادی بین دهات و شهر زد، و قادر شد 3/22 میلیون نفر از اهالی ده را به شهر آورده و برای آن ها حق آمدن به شهر و شهروندی شهری برای استخدام شدن (مشابه محدودیت ورود کارگران آلمان شرقی به غربی بعد از یکی شدن، برجستگی و توضیح از من)، حق بازنشستگی، اجازه کردن از خانه های دولتی، آموزش کودکان و خدمات بهداشتی تامین کند. در اوائل 2009، تحت برنامه ای بنام 10 فقره در معاش زندگی مردم، چونگکینگ بیش از 50% درصد از درآمدهای دولتی را برای بهبود رفاه عمومی، بویژه معاش زندگی کارگران و دهقانان هزینه کرد.

از این طریق، چونگکینگ شعار حزب کمونیست چین مبنی بر دنبال کردن توسعه های مردم-محور را کنش کرد. در حقیقت، هیچ جنبه ی رادیکالی در این سیاست ها وجود نداشت. اگر این ها را با محک لفاظی های رادیکال دولت به سنجیم. تلاش برای تقویت بخش دولتی یک حرکت سوسیالیستی نبود؛ برای نمونه، هنوز در قانون اساسی، یا برنامه ی ح ک چ چین تعهد برای ساختمان سیستم «سوسیالیستی» بر پایه ی چیرگی مالکیت عمومی همچنان دست نخورده باقی مانده است. به جای مخالفت با گسترش فرایند سرمایه داری، چونگکینگ متهورانه با سرمایه ی جهانی لاس زد. برای مثال، برای اینکه چونگکینگ را به مرکز بزرگ ترین تولید کننده ی دفترچه های کامپیوتری در آسیا تبدیل کند، شرکت های فراملی از «اچ پی» گرفته تا «آسر» تشویق شدند که فعالیتشان را به چونگکینگ بیاورند. رهبری «بو زیلا»، حتی شرکت مخابراتی فوق-استثمارگر فوکسکون را اغوا کرد که 200000 شغل از 500000 شغل ها را از «شن ژن» به چونگکینگ بیاورد. ولی بهر رو، یک تفاوت کلیدی در اینجا وجود داشت. در شن ژن، فوکسکون کارگران را مجبور کرده بود در سالن های کارخانه، شبیه آسایشگاه های نظامی زندگی کنند، و کارخانه را از جامعه جدا کرده بود. در مقابل، چونگکینگ خانه های دولتی را با اجازه ی نازل در اختیار کارگران فوکسکون گذاشت. این اقدام به چونگکینگ اجازه داد تا «سیاست جهانی کار ارزان» را شکسته و دوباره سرمایه های فراملی را به درون جامعه بیاورد. در ضمن، در تلاش برای حل معضل استخدام، چونگکینگ یک برنامه ی گسترده برای تاسیس کارگاه های کوچک در حمایت از دهقانان مهاجر به شهر و کمک به فارغ التحصیلان دانشگاهی برای ایجاد موسسات تولیدی در نواحی مختلف شهری را اجرا کرد. سخن کوتاه، همانطوری که «فلیپ هونگ» مشاهده کردند، مدل چونگکینگ تلاش می کرد راهی برای رشد مکمل بین بخش دولتی، فراملی، و بخش های خصوصی داخلی در اقتصاد مختلط پیدا کند.

بالا بردن پرچم خوش بختی همگانی

«بو زیلا» در راستای راهبرد بالا، در یک حرکت کاملا خلاف انتظار لیبرال ها در لیبرالیزه کردن سیاست، به کنش مائویستی خط سیاسی مرادده با توده ها را برای مهار کردن بوروکراسی حزب کمونیست چین و برای تسخیر جان و دل مردم چونگکینگ دوباره زنده کرد. مقوله ی محوری «کامیابی عمومی» شد. در یک سخنرانی به سال 2011، «بو زیلا» با اشاره به «هو جین تائو»- دبیر کل و رئیس جمهور وقت چین، بحث کرد «توفیق همگانی» آن چیزی است که «جهت پیشرفت» فرهنگ کمونیستی را تعریف می کند:

قطب بندی جامعه به ثروتمند و فقیر فرهنگ عقب افتاده ی برده داران، فئودال ها و سرمایه داران می باشد، در صورتیکه خوش بختی همگانی نشانگر عدالت مردمی و فرهنگ پیشرفته است. در فرهنگ غربی ها از انقلاب بورژوائی انگلستان در 1640، تاریخی 370 ساله داشته است. اغلب آن ها قهرمانان شعارهای «آزادی، دموکراسی، برابر ی و برادری» بوده اند. اما، آنها هرگز از واژگان «خوش بختی همگانی» صحبت نکرده اند- موضوعی که به منافع بنیادی اکثریت گسترده ی بشریت مربوط می شود. این تنها کمونیست ها، با شجاعت ماتریالیستی نگاه زمینی و روح فداکاری، شعار «خوش بختی همگانی» را روی پرچمشان می نویسند. همانطوری که رفیق هو جین تائو در 90مین سالگرد کنفرانس حزب کمونیست چین اعلام کردند، ما باید استوارانه راه «سعادت همگانی» را دنبال کنیم! ما قویا باور داریم که، دیر یا زود، کل بشریت راه «سعادت همگانی» را پیش خواهند گرفت.

همچنین «بو زیلا» بحث می کرد که «خوش بختی همگانی» تنها یک ایدآل یا نکته ی پایانی نیست؛ بلکه این نگرش نیروی محرکه ای است که تمام فرایندها را در بر می گیرد. درست بهمان صورتی که اصلاح طلبان نیو لیبرال گفته های «دینگ شیپینگ» را برای توجیه قطب بندی طبقاتی شان گلچین می کنند، «بو زیلا» از «دینگ شیپینگ» یاد آوری کرد که او علیه خطری که رفرم سرمایه داری «مسیر مضرانه ی» «ب خود بگیرد، اگر رفرم موجب قطب بندی اجتماعی و یک طبقه ی جدید سرمایه داری نو را به وجود آورد، هوشدار داده بود. «بو زیلا» حتی دکتورین توسعه ی «دینگ شیپینگ» را که گفته بود «توسعه حقیقتی به سختی فولاد» را به شعار «معاش زندگی مردم حقیقتی به سختی فولاد» می باشد تغییر داد. «بو زیلا» علیه آن هائی که پیوسته از تئوری «ریزش قطره ای» نئولیبرال- کارگران از کک تولیدی سهمی می برند (اگر کک تولیدی بزرگتر گردد، سهمشان نیز افزایش می کند، توضیح از من) پشتیبانی می کردند- بوزیلا ساختن کک شیرینی را در کنار تقسیم کک شیرینی قرار داد، بو زیلا استدلال می کرد که این دو تا همدیگر را تکمیل می کنند. مهمتر از همه، «بو زیلا» بحث می کرد که حزب کمونیست چین نباید برای حل کردن مسئله ی قطب بندی های اجتماعی برای زمان طولانی صبر کند، چون که صاحبان ذی نفع وضع موجود آن چنان قدرتمند خواهند شد که دیگر نتوان جلو آن ها را گرفت. درسخرانی اش به دلمشغولی محوری رهبریت مرکزی در خصوص هماهنگی اجتماعی، بوزیلا تاکید کرد که نه از راه «مهاری کردن»، بلکه بواسطه ی پیشرفت همگانی است که همچون خاک میوه های اجتماعی را پرورش خواهد داد.

«بو زیلا» یک ردیف کامل از اقدامات دولتی را با هدف تثبیت دوباره ی ارتباط ارگان های حزب کمونیست چین با توده های مردم را به مورد اجرا گذاشت. نخست، او یک مبارزه ی فراگیر علیه فساد و رشوه خواری و جرائم سازمان یافته- به نام جنگ علیه بزه کاران- را راه انداخت تا اقتصاد زیر زمینی را داغان کند. در غرب، «نظم و قانون» بمثابة یک راه برد دولتی معمولاً به حقوق سیاسی نسبت داده می شود، ولی، زمانی که این مبارزه توأم باندهای مقامات حزبی-دولتی، بخش خصوصی و جنایتکاران را فرا می گیرد، مبارزه قطعاً شکل گرایش به سیاست های طبقاتی چپ بخود می گیرد. گذشته از این، چون تبهکاری سازمان یافته و ارتباط آن با اقتصاد زیر زمینی به فعالیت های اقتصادی ضروری زندگی روزمره ی مردم سرایت کرده است- نظیر امور ساده ای مانند تاکسی گرفتن تا راندن اتوبوس- بو زیلا چونگکینگ را از طریق مبارزه با فساد و جرائم، برای عموم مردم امنیت را کاملاًتامین کرد. به نتیجه، این اقدامات محبوبیت عمومی برایش کسب کرد. گذشته از این، چون در مبارزه با فساد و تبهکاری، او با جدیت مردم را تشویق کرد که تخلفات و فساد افراد دولتی را گزارش دهند، این حرکت محتوای «شعار دخالت توده های مردم» مانو و بعد عدالت انقلابی پیدا کرد.

شاخه ی دیگر حمله ی «بو زیلا» تلاشش در برقرار کردن دوباره ی پیوند و ارتباط ارگان ها، یا اندام واره های حزب کمونیست چین با توده های مردم موجب بوجود آمدن مرادیه ی جا افتاده ی دولتی و پراتیک حل معضلات مردم گردید. یک ردیف از اقداماتی که در سال 2008 آغاز شد، بر قرار کردن «سه فقره پراتیک»، «دیدار مردم از دبیر حزب، دیدار اعضای کمیته ی حزب از مردم، و همچنین ارائه ی مرتب گزارش شکایات مردم» بود. نخست، مسئول کمیته ی محلی حزب کمونیست چین یا کدخدای ده می بایستی هر هفته به مدت نصف روز مردم را به حضور پذیرفته تا مشکلات و شکایات شان را بیان کنند. دوم، اعضای کمیته ی محلی حزب کمونیست چین یا ده می بایستی دو بار از مردم اهالی محل در شهر یا ده دیدار کرده و نظرانشان را نسبت به سیاست های دولت را می پرسیدند و همچنین مشکلات و مسائل مورد علاقه شان را مطرح می کردند؛ سوم، خطوط مرادیه ی آزاد بین دبیر حزب و مردم می بایست از طریق صندوق پست، ای میل و خطوط تلفن اضطراری برقرار شد؛ می بایستی نتیجه ی اقدامات در زمان تعیین شده گزارش می شد. زمانی بعد، یک سری دیگر از اقدامات جدید در سال 2009، آغاز شد. در بین این اقدامات، پراتیک «سه تا رفتن به درون و سه تا باهمدیگر» مقامات حزبی را مجبور کرد با هم غذا بخورند، با هم زندگی کرده و با هم برای دوره های زمانی با دهقانان کار کنند. «دیدار بزرگ از پائین» دیدار گسترده ی جا افتاده در سراسر چین را عوض کرد- یعنی اینکه، وقتی که افراد، گروه ها، یا حتی تمام دهقانان دهات به مقامات بالای حزبی شخصا یا بصورت نوشته عرض حال می دادند تا به شکایات شان رسیدگی شود. بالاخره، در تلاشی برای اینکه مقامات حزبی را با مردم فقیر ده مرتبط کند، از هر کدام از مقامات حزبی خواسته شد که یک نفر از اهالی فقیر ده را به خویشاوندی به پذیرد- هر سال حد اقل دو بار از او دیدن کرده و کارهایی که یک نفر برای خویشاوندش انجام می دهد، او نیز با اقدامی خوش حالش کند.

گرچه، این گونه از بسیج کردن اداری علیه بیگانگی اداری یا بوروکراتیک با مردم «شکی نیست که زیاده روی های تشریقاتی خودش را پرورش می دهد»، اما تا حدی که این اقدامات هدفش نمایندگی کردن برای رسیدگی به مسائل عمومی مردم و حسابرسی باشد، از آنچه در چونگکینگ پیاده شدند می شود می توان یک نمونه ساخت. به نظر من این شیوه اعتبار و وجهه ی بیشتری به نسبت دیدار اهالی محل از دفتر محلی نماینده های پارلمانی در غرب دارد. لازم است این نکته را دریافت که شیوه های متفاوت کنش دموکراسی وجود دارد، رهبریت «بو زیلا» در چونگکینگ این اقدامات را در چهارچوب تجلی کنکرت «دموکراسی مردمی» قرار داد.

خواندن سرودهای سرخ و باز پس گیری انقلاب

سویه ی دیگر مشت آهنین مبارزه با فساد، ترویج خواندن سرودهای سرخ بستر مرادیه و جزء فرهنگی مدل چونگکینگ گردید. همراه با بوجود آمدن نابرابری وحشتناک اجتماعی، سقوط پایه های اخلاق اجتماعی و گسترش ارزش های مادی زیاده از حد بطور چشمگیری معلول فرهنگ اصلاحات «دینگ شیپینگ» بود. باید اعتراف کرد که دوره ی پسا-مائوتسه تنگ، حزب کمونیست چین را از ابراز لفاظی های سوسیالیستی باز نداشت. برای مثال، بعد از تصویب قطعنامه ای مبنی بر تقویت کردن ساختار «تمدن اخلاق سوسیالیستی» در سال 1996، کمیته مرکزی حزب کمونیست چین قطعنامه ای در حمایت از عمومی

کردن «سیستم ارزش های بنیادی سوسیالیستی» را در سال 2006 تصویب کرد. ولی، بهر رو، در غیاب یک مدل توسعه ی اجتماعی-اقتصادی هماهنگ که شباهت به چیزی مانند ساختن یک جامعه ی سوسیالیستی داشته باشد، نه تنها چنین کمپین هائی توخالی بوده، بلکه روحیه ی بدبینی را پرورش خواهند داد.

خواندن سرودهای سرخ روش ساده ای برای پراتیک مراد به مردم با حمایت دولت هدفش ترویج ارزش های سوسیالیستی و بالابردن اخلاق عمومی بود. کمپین حول کنش های مراد به ای خواندن سرودهای سرخ، خواندن متون کلاسیک و قصه گویی از داستان های انقلابی و روحیه ساز، و ارسال پیام های تلفنی ضرب المثل های اندرزگویانه در سال 2008 راه افتاد. گذشته از این، در کنشی اکنون به عنوان بخشی از تلاش «بو زیلا» برای جلب توجه رهبریت مرکزی در نظر گرفته می شد، او یک گروه بزرگ نمایشی فرهنگی را در سال 2011، به پکن آورد و گروه بزرگ هفت فقره نمایش سرودهای انقلابی را اجرا کردند. این برنامه در 90مین سالگرد تاسیس حزب اتفاق می افتاد، و بسیاری از مردم چین از این که این نمایش ها از میراث سوسیالیستی حزب کمونیست چین دفاع کردند، نمایش را تحسین کردند، قطعا این اجرا به نفع «بو زیلا» تمام شد.

در میان رسانه های لیبرال پسا-مائوتسه تنگ چین و نخبگان روشنفکر، محض شرح دادن این کنش ها در خواندن سرود های سرخ و «زنده کردن فرهنگ انقلابی» با واکنش خشم روبرو شد. دقیقا با استفاده از این واکنش بود که «وون جی بانو»- نخست وزیر چین- از چوونگکینگ انتقاد کرد. ولی، بهر حال، وسعت محتوای کمپین این سرودهای انقلابی عملا خیلی بازر تر بود. این سرودها از ردیف وسیعی از شیوه های موسیقی، متون ادبی، و ضرب المثل ها را شامل می شدند. هم چنین، باید گفت که ریشه های مردمی سرودهای سرخ در دوره ی پسا-فرم چین انکار نکردنی است. از دهه ی 1990، در جامعه ی چین- بویژه گروه های بی حقوق اجتماعی - برای اخلاق سوسیالیستی گذشته دلنگی می کنند. پشت روحیه ی در حال رشد تبلیغ جناح- راست از ایده ی «بقای نسل مقاومتر»- اقتباس از نظریه ی داروینسم در رابطه با حیات حیوانات نه انسان، توضیح از من- در جنگل پسا- سوسیالیستی نئولیبرال، یک آرزوی عمیق نسبت به عدالت اجتماعی، برابری، و احساس همبستگی محلات زندگی وجود داشته است. در تائید مرکزی بودن زندگی گذشته ی تجربه شده، و نیروی فرهنگ مردمی، بویژه موسیقی مردمی، این احساس آرزوی گذشته در خواندن داوطلبانه ی دسته جمعی سرودهای انقلابی در ملا عام رساتر بیان شد. چنین کنش هائی، همراه با وسائل دیگر فعالیت های فرهنگی مردمی با اشاره به گذشته ی انقلابی چین اجرا شدند، الهام بخش بودند- در سخنرانی اش پیش از اجرای نمایش ها «بو زیلا» از آنها تجلیل کرد. با رونق گرفتن وب سایت های مائویست-نو مانند اتوپیا و پرچم-مائو از دهه ی 2000 مائویسم و زبان سوسیالیستی در درون فضای اینترنتی، مدت هاست که این ابزار به اسلحه ی ایدئولوژیک منتقدین علیه برنامه ی رفرمهای سرمایه داری حزب کمونیست چین تبدیل شده اند. آنچه «بو زیلا» انجام داد تجلیل دوباره ی این میراث نمادین شیوه ی خط مردمی حزب کمونیست «از توده ها به توده ها» بود. یک بار دیگر مهم است به ماهیت یکی کردن سیاسی- اقتصادی و تحول اجتماعی-فرهنگی چوونگکینگ تاکید کرد. در حقیقت، بدون برنامه های جامع دولت که هدفش بهبود معاش زندگی مردم باشد (و همگی این ها دستاوردهای ملموس داشتند)، خواندن سرودهای سرخ هیچ پایه ی مادی مردمی نخواهد داشت. آنچه خواندن سرودهای سرخ هدفش بود نه تنها پرورش عامل انسانی فعاله و اعتماد به نفس فرهنگی افراد، بلکه همچنین این احساس که یک آینده ی بهتر امکان پذیر می باشد.

برداشتن برنامه های آگهی های تجارتي از کانال ملی تلویزیون ماهواره ای «سی کیو تی وی» در مارچ 2011، مهمترین تحول در دستگاه رسانه های گروهی تحت مدل چوونگکینگ بود. نظیر تمام کانال های تلویزیونی ماهواره ای استان ها، «سی کیو تی وی» پیشتر درآمدهای عمدتا از آگهی های تجارتي تامین می شد و برنامه هایش زیا از حد رنگ تجارتي داشت. با متوقف کردن آگهی های تجارتي در «سی کیو تی وی» و تامین هزینه ی اداره اش از طریق ترکیبی از درآمد دولت و یارانه ی سازمان اداره ی دولتی صدا و سیما (که کانال های تجارتي دیگر را اداره می کند) به رسانه های گروهی، رهبری بو زیلا در چوونگکینگ هدفش این بود که کانال «سی کیو تی وی» را به یک «کانال مورد استفاده ی مردم» و یک مجرای کلیدی برای ترویج فرهنگ شهروندی دگرگون کند. اکنون با برداشتن آگهی های تجارتي، رنگ زمینه ی صفحه ی تلویزیون «سی کیو تی وی» سرخ شد، و برنامه هائی از جمله نمایش خواندن سرودهای سرخ، داستان گویی از وقایع انقلابی، یاد آوری از تاریخ های انقلابی، پرورش باورهای انقلابی، و ادبیات انقلابی را پخش کرد. هم چنین کانال یک برنامه ی پخش اخبار بنام «معاش زندگی مردم»، که در آن هم روی اخبار محلی و هم در سطح ملی تاکید و به ابتکاراتی که هدفش تمرکز روی توسعه ی مردم بود، را نقل می کرد. ضمن اینکه، این تعلق به «سرخ»، پیش از هر چیزی پایه اش را در سنت های انقلابی چین قرار می داد، همچنین «سی کیو تی وی» ادعا می کرد که «رنگ سرخ» رنگ ملی چین می باشد. بدین طریق، «سی کیو تی وی» هدفش زمینه ی ساختن یک فرهنگ تازه ی انقلابی و مردمی بود:

«فرهنگ سرخ» در معنای محدود روح زمانی را بیان می کند که حزب کمونیست چین در رهبری کردن اکثریت غالب مردم چین در دوره ی غلیان انقلابی و جنگ، و در دوره ی ساختمان [سوسیالیسم]، و فرم و باز کردن دروازه های چین، تبلیغ شد. چین تحت رهبری حزب کمونیست «چین سرخ» می باشد. در معنای گسترده، [فرهنگ سرخ] نه تنها عناصر ظریف فرهنگ چین، بلکه همچنین تمام میوه های فرهنگی را که مردم جهان خلق کرده اند را در بر می گیرد. فرهنگ سرخ نام کلی برای فرهنگ پیشرفته و مترقی است.

دراوت 2011، «سی کیو تی وی» برنامه ی بحث وقایع هفتگی تحت عنوان فضای عمومی، یا فورم، برای بحث ررباره ی خوش بختی همگانی را گشایش کرد. فورم «بحثش روی موضوعات کاستن از سه فاصله [بین ثروتمند و فقیر، شهر و ده، و مراکز صنعتی در نواحی ساحلی و داخلی کشور] تمرکزش روی ترویج توفیق و خوش بختی همگانی

بود»، برنامه ی 45 دقیقه ای به عنوان یک پلتفرمی مطرح می شد، که در مقابل آن رهبران سیاسی و اکادمیک چین قویا با تناقضات و تضادهای توسعه ی ناهمگن حاضر روبرو می شدند، و آنها می بایستی به این نیاز تئوریک جواب می دادند. به عنوان صاحب نظران ضد-نئولیبرال، که به آن ها معمولاً در تلویزیون های دیگر اجازه ی فرصت داده نمی شد، این ها مهمانان فورم شدند و رویاهای اجتماعی شان را برای یک راه حل توسعه ی چینی عادلانه ی زمان دار ارائه دادند، تأثیرات تهییجی و اهمیت تاریخی برنامه را در فضا و بوم رسانه های چین نباید کم گرفت.

باید اعتراف کرد که این فعالیت ها همچنان ادامه یافتند. مشاهده شد که کمبود متن های «سرخ» مردمی یا خلقی وجود دارد. تنش تعلق به «سرخ» بین گرایش انقلابی و ملی گرایی همچنان باقی مانده است. بو زولا با قدرت رسانه های جمعی چونگکینگ را کنترل کرد، و تلویزیون «سی کیو تی وی» بعضی مواقع برنامه هائی از نوع نگاه از بالا به پایین و جهت گیری معلم شاگردی داشت. ولی، با این وصف، «سی کیو تی وی» با مبارزه اش برای سعادت همگانی، - گرچه برای برهه ی کوتاهی- قویا نگرش ضد-نئولیبرالی را، که زیر فشار سلطه ی طرفداران رفرفرم های مکانیزم بازار آزاد بود، به جامعه تزریق کرد. مخصوصاً با جمع کردن آگهی های تجارتي در سی کیو تی وی، رهبری بو زولا در چونگکینگ یک کانال تلویزیونی را از کارکرد بازار گرفت و در خدمت هدف اجتماعی-فرهنگی قرار داد. در 3 دسامبر 2011 بو زیلا در گفتگویش با کارکنان «سی کیو تی وی» و متخصصان برنامه، یک بار دیگر خود را ناچار دید خطاب به مخالفین بگوید که نا سلامتی شما در کشوری زندگی می کنید که توسط حزب کمونیست رهبری می شود: به مردم «خدمت کردن یک اصل پایه ای حزب ماست، و خوش بختی همگانی تجلی کنگرت خدمت به مردم می باشد. در نگاه بعضی از مردم، پیشروی به معنای یادگیری از غرب است، و حال آنکه میراث و ترویج سنت های زیبایی حزب کمونیست چین به عنوان نگرش چپگرا ارزیابی می شود که نگاه به پسروی دارد. این حرف ها واقعا بی ربط اند».

جنگ روانی دستگاه های رسانه ای بین المللی بر سر آینده ی چین

عجیب یا نه، این دقیقاً بحث غالب سیاسی، رسانه ای، و در میان موج روشنفکری بود که مدل چونگکینگ علیه دیدگاه رایج حرکت کرده بود. آنها عموماً تلاش برای دنبال کردن یک راه توسعه ی عادلانه تر را نادیده می گرفتند، لیبرال های روشنفکر و رسانه های مکانیزم بازار- محور از همان اول دشمنی زیادی نسبت به «بو زیلا» و تجربیات یا پراتیک چونگکینگ نشان دادند. این منتقدین «بو زیلا» دو قطبی شدن فرایند اقتصادی را به عنوان امری عادی گرفتند و جهت گیری ضد - لیبرالی، مبارزه با اقتصاد سیاه و خواندن سرودهای سرخ را خیلی بزرگ کردند. آنها مدل بو زیلا را در بهترین حالت یک طرح ریاکارانه برای استفاده کردن از چونگکینگ همچون سکوی پرشی در کوشش برای رسیدن به قدرت عالی کشور تعبیر کردند، و در بدترین حالت او را یک فرد مطلق العنان خلق گرا، حتی فاشیست، اعاده، یا زنده کننده ی انقلاب فرهنگی نامیدند. مبارزه ی رسانه های فراملی، یا بین المللی، و داخل چین در پسا-15مارس 2012 علیه بو زیلا، فراتر از نقد سیاسی، شکل محاکمه کردن را به خود گرفت. رسانه های فراملی و چینی براحتی توانستند از برخورد به سیاست های طبقاتی «بوزیلا» طفره برونند.

بو زیلا مشروعیت ایدئولوژیک رهبری مرکزی حزب کمونیست چین و برنامه ی جانشینی در صدر قدرت را به چالش کشید. او تهدید کرد که با رو کردن تناقضات اساسی «سوسیالیسم با ویژگی های چین» حزب را به انشعاب خواهد گشاید. از این گذشته، آنچه که بو زیلا در چونگکینگ انجام داد، فرماسیون، یا شکل بندی اجتماعی منافع بوروکراسی سرمایه داری داخلی اجین شده در سرمایه داری جهانی را تضعیف کرد- گرچه خود او نیز جزء جدائی ناپذیر این سیستم بود. مبارزه ی او تحت نام به اقتصاد سیاه ضربه بزینم سرمایه داران بومی و حامیان بوروکراتیک شان را به وحشت انداخت. خط تهاجمی، روحیه و بشاشت دادن به توده ها امتیازات بوروکراتیک را تضعیف کرد و مقامات دستگاه اداری را تکان داد. اینکه «بو زیلا» در مبارزه اش علیه اقتصاد سیاه استفاده کرد تا بطور غیر قانونی دارائی های سرمایه داران خصوصی را ضبط و مخالفان سیاسی اش را تصفیه کند، یا نه، او با مبارزه اش مقامات قدرتمند حامی سرمایه داران مافیائی را ریشه کن کرد. نمادین آن چه سیاست «به اقتصاد سیاه سراسری ضربه بزینم» انجام داد، یک اتحاد قدرتمند ملی از وکلا، صاحب نظران حقوقی، و روزنامه نگاران را تشکیل داد تا یک کمپین بی وقفه از طریق کاربرد شیوهای حقوقی و بسیج رسانه های گروهی علیه دستگاه نظم و قانون تحت رهبری بو زیلا راه بیازند. بدترین کابوس برای دستگاه دولتی صاحبان پول/ حقوقی این بود که اگر بو زیلا، به عنوان یکی از اعضای رهبری بعدی پولیت بورو، یا دفتر سیاسی، حزب کمونیست چین در راس دستگاه های نظم و قانون کشور قرار گرفته باشد، آخر عاقبت آن ها معلوم خواهد شد. همینطور، جامعه ی روزنامه نگاری رسانه های چین خودشان را هرگز با تجارب غیر تجارتي کردن رسانه ی چونگکینگ تداعی نکردند. از یک طرف، خبرنگاران از تأثیر فرسایش تدریجی روی رسانه های تجارتي شکایت می کردند. از طرف دیگر، آنها منافع اقتصادی و شغلی شان را با دموکراتیزه کردن سیستم رسانه های جمعی همسو نمی دیدند. در حقیقت، دموکراتیزه شدن چونگکینگ پیام نگران کننده ای به روزنامه نگاران می فرستاد، ایشان جزء قابل ملاحظه ای از درآمدشان (روزنامه نگاران چینی اضافه بر حقوق تعیین شده، بخش عمده ی درآمدشان از دخل تجارتي سازمان رسانه های جمعی کسب می شود) را از دست خواهند داد. تعجب نداشت، که یکی از اولین خواسته ها در دوره ی پسا-بو زیلا در چونگکینگ برقرار فوری آگهی های تجارتي در تلویزیون «سی کیو تی وی» بود.

اکنون که حزب کمونیست چین خود را برای انتقال قدرت رهبری درکنگره ی 18مین- هرده سال یک بار برگزار می شود- در پائیز امسال آمده می کند، چونگکینگ به نقطه ثقل مبارزات برای آینده ی چین تبدیل شده است. در حالی که روشنفکران رادیکال لیبرال از تغییر رژیم و پایان دادن به حکومت تک -حزبی چین حمایت می کنند، هنوز بسیاری

تلاش می کنند حزب کمونیست چین را وادارند تا به تعهدش به انقلاب وفادار مانده و قانون اساسی سوسیالیستی چین را نگهدارد. مدل چونگکینگ هم بسیار تاثیر گذار و به همان درجه جدل انگیز بوده است، چونکه در درون چهار چوب دولت تک-حزبی حاضر و با متوسل شدن به نیروی تهییجی سوسیالیستی تغییرات در چونگکینگ اجرا شدند. تجارب بو زیلا طرح «پایان تاریخ» نئولیبرال ها را زیر سؤال برد و نشان داد که حزب کمونیست چین، با اراده ی سیاسی، هنوز شاید این نیروی بالقوه را داشته باشد که خودش را دوباره به پایه ی تاریخی قدرت کارگران-دهقانان پیوند بزند. در حالی که هیچ کمبود نقد چپ به مدل چونگکینگ از همان شروع وجود نداشته است، برای نیروهای اجتماعی چین، که برای تحقق یک آینده ی سوسیالیستی مبارزه کردند، به نظر می رسد که اگر مدل چونگکینگ در سطح ملی ترویج شود، یک قدم کلیدی در چرخش حزب کمونیست چین به سمت چپ به شمار خواهد رفت. برای آن عده ای که گرد رسانه ی اینترنتی اتوپیا جمع شده اند، آن هائی که قهرمان «تجدید ساختار سوسیالیستی» شناخته شده اند، سیاست های «بو زیلا» یک رویکرد مترقی در حزب کمونیست چین را نمایندگی کرده است، و مدل چونگکینگ تنها امید برای چین بود که از وقوع یک انقلاب خشونت آمیز دیگر اجتناب کند.

با رخداد «ونگ لیجون» در 6 فوریه 2012 شروع کنیم، یک جنگ تبلیغاتی علیه چونگکینگ با شدت بی سابقه ای هم در رسانه های گروهی و هم فضای رسانه های اینترنتی جهان جریان یافت. وب سایت های دست راستی به زبان چینی، رسانه ی فلونگ گونگ مدیا، شبکه های سخن پرانکی غرب نظیر «وی او ای» و «بی بی سی»، و مطبوعات طرفدار سرمایه داری جهانی، بدون درنگ از پخش هیچ گونه از شایعات و اطلاعات تائید نشده به ضرر بو زیلا و مدل چونگکینگ کوتاهی نکردند. ژیانگ وی پینگ، یک روزنامه نگار سابق اهل هنگ کنگ، که یک بار در استان لیائونینگ تحت اداره ی بو زیلا زندانی شده بود، و اکنون در کانادا زندگی می کند نظراتش را به کانال های خبری به اصطلاح خوش نام نظیر «سی بی سی» می دهد، او بدترین صفات را به بو زیلا نسبت داد، برابر با اظهارات ژیانگ، بو زیلا مبلغ 270 میلیارد یوان- به نرخ یک دلار برابر با 6.2 یوان، از من- از منابع مالی دولتی را در پروژه ی کمپین سرودخوانی های سرخ حیف و میل کرده است. ایشان بیش از 600 «انجمن سیاه» برای کمپین «به خلافکاران ضربه بزنیم» سازمان داد. ژیانگ ادعا کرد که بو زیلا بیش از 100 میلیارد یوان از دارائی های شرکت های خصوصی را دزدیده است. او چندین هزار نفر از از صاحبان شرکت های خصوصی را به زندان انداخت، و 30000 نفر دیگر را بدون هیچ توجهی به قانون و دادرسی از موسسات صنعتی و خدماتی بیرون کرد. او ضربه ی روانی به طبقه ی متوسط نوظهور وارد کرد، و خیلی کارهای دیگر- اگر این ها راست باشند دستش درد نکند، از من. همانطوری که لین چون نظر دادند، «بیک اتحاد رهبریت کمونیستی، از جناح های دست راستی کمونیستی در داخل و خارج از چین (از جمله فالوون ونگ)، و دولت های غربی و رسانه های جمعی غرب» افسانه ی بو زیلا را به «بیک پدیده ی نمونه وار سیاست های پست- مدرن قرن بیست و یکم تبدیل کردند». تا اوائل سپتامبر 2012 حزب کمونیست چین هیچ گواهی، یا مستندات دایربر ارتکاب اعمال تخلف از جانب بو زیلا را بیرون نداد. ولی، بهررو، چه خزعلاتی که افرادی چونان ژیانگ و رسانه های جمعی فرا-چینی نگفتند، علاوه بر متن تهیه شده ی گزارش بسیار محتاطانه ی رسانه های دولتی از محاکمه ی همسر بو زیلا به اتهام قتل، شاید حزب کمونیست چین صلاح ندیده است هیچ اتهامی علیه شخص بو زیلا ارائه دهد. با این وصف، و شاید دقیقاً بواسطه ی تمام گزارش های غیر رسمی، اعمال یک سانسور رسمی روی موضوع «بو زیلا»، در این ماه های آخر مانده به گشایش 18مین کنگره ی ملی در پائیز امسال، برای حزب کمونیست چین شاید آزار ترین معضل بوده باشد. اینکه حزب کمونیست چین، اکنون اوائل سپتامبر، هنوز تاریخ دقیق آغاز کنگره را اعلام نکرده، همه را نگران گذشته است.

وب سایت های چپ تاثیر منفی داستان ونگ لیجونگ- بو زیلا را بر روی آرمان سوسیالیسم می پذیرند ولی هنوز به او باور دارند. در شروع واقعه، برای دوره ی کوتاهی، آنها نیز به سهم خود وارد مبارزه ی تبلیغاتی شدند، از تفسیرهای سیاسی گرفته، که از «بو زیلا» حمایت کرده و به «وین جی بانو»- نخست وزیر چین، مترجم- حمله کردند، تا بیان تئوری های گوناگون توطئه. عجیب نیست که، بالاخره از اواخر مارچ و اوائل آوریل حزب کمونیست چین به عنوان بخش کلیدی تصفیه کردن بو زیلا و کنترل کردن رسانه های حامی، شروع به بستن سایت اتوپیا و دیگر سایت های چپ نمود. این حرکت به حزب کمونیست چین اجازه داد از هرگونه نقش بالقوه ی وب سایت های چپ را در بسیج کردن توده ها برای یک رودروئی با رژیم را سرکوب کند.

رسانه های معروف انگلیسی-آمریکائی، بعد از اینکه نقش محوری در شکل دادن به افسانه ی بو زیلا را بازی کردند، اکنون دارند از پر اهمیت شدن دستگاههای مرادده ای فرا-ملی در سیاست های چین سود به برند، در همان آن، این ها با یک بحران عمیق داخلی و تشدید مبارزات اجتماعی علیه تحمیل سیاست های ریاضت اقتصادی در قلب کشور های سرمایه داری جهانی روبرو هستند. در تاریخ 28 جولای 2012، وب سایت نیویورک تایمز به زبان چینی راه افتاد، و در آروزی این است که رقیب قوی ای علیه وب سایت چینی-زبان فایننشال تایمز و ول ستریت جرنال با هدف «آگهی های لوکس برای طبقه ی در حال رشد متمول چین» تبدیلگر گردد. علیرغم سیستم دیوار سانسور اینترنتی دولت چین، جوزف خان سردبیر خارجی نیویورک تایمز از ماجرجوئی جدید صحبت کردند، ما «امیدوار و انتظار داریم که مقامات چینی از آن چه ما انجام می دهیم استقبال کنند».

در ضمن، دولت چین همچنان به سانسور وسائل مرادده ای گرایش چپ ادامه می دهد. بیشترین نوشته های اتوپیا همچنان بسته مانده اند، و صداها ی اینترنتی گرایش چپ وابسته به اتوپیا تلاش می کنند پلتفرمهای مرادده ای جدیدی را پیدا کنند تا در مورد افسانه ی بو زیلا تامل کرده و دوباره خودشان را سازماندهی کنند. بعضی از نکات محوری بحث ها شامل این شد که آیا وب سایت اتوپیا توسط نویسندگان مائویست های رادیکال ربهوده شد و اینکه آیا آن ها خودشان را

خوبی به بو زیلا نزدیک کردند، و در ادامه ی این نگرش، آن ها گفتند اصلا با امیدوار شدن به اعضای نخبه ی حاکمیت مرتکب یک اشتباه راه بردی هلاکت باری شده اند.

آینده ی نامطمئن چین

بعد از وارد کردن یک نقد ویرانگر به مدل توسعه ی صادراتی -محور چین در نواحی رفرم و تاثیرات جهانی، جان بلامی فاستر و رابت مک چسنی در مقاله ی فوریه 2012 مانثلی رویو نوشتند: «برای نیویورک تایمز، هیچ چیزی مگر 'احیای مائو و یا رویداد فاجعه ی اتمی' محتملا نمی تواند جلو مسیر جاری چین را سد کند. معهذ، اگر آنچه را که زنده کردن مائو می نامند بنوعی تجدید حیات خود انقلاب چین باشد- ضرورتا بواسطه ی شرائط تاریخی درحال تغییر اشکال تاریخی جدیدی خواهد گرفت- چنین نیروی بالقوه هنوز باقی است، و حتی تحت شرائط حاضر رشد می کند»

قطعا، بو زیلا یک مانوی دیگر نیست. اما، این موضوع هرگز مانع آن نشده است که نیویورک تایمز، بموازات رسانه های الیگارشسی سیاسی رسانه های انگلیسی-آمریکائی رفیب، با پیوستن به آنها دست به یک تهاجم دیوانه وار رسانه های فراملی کرده و به سقوط بو زیلا شتاب دهند. به این دلیل که، در اقتصاد سرمایه داری جهانی فرو رفته در بحران چین نقش بسیار مهمی در «بوجود آوردن شرائط جدید کسب ارزش اضافی» ایفا می کند. دورنما برای یک تغییر جهت گیری بنیادی درراه توسعه ی چین برای رسیدن به یک موازنه ی بهتر بین مصرف داخلی و صادرات، برابری بیشتر بین نواحی مختلف چین، و کاستن از دیگر شکاف های اجتماعی-اقتصادی در کوتاه مدت بعید به نظر می رسد. علاوه بر شرائط جدید دیگر، چنین دورنمایی نیاز به یک «تجدید اتحاد سیاسی اساسی دارد تا موازنه ی قدرت را از نخبگان نواحی ساحلی صنعتی به سود نیروهائی تغییر کند که منافع توده های روستائی را نمایندگی کنند. اساسا، این به معنای تحقق یافتن آن چیزی خواهد شد که دولت چین در قانون اساسی آرزو می کند. - یعنی، یک «دموکراسی مردمی» تحت رهبری طبقه ی کارگر و روستائی» «اتحاد کارگران و دهقانان» به عنوان استخوان بندی سیاسی حساب کردن- این جمله در نواحی رفرم، با افزایش طبقه ی متوسط، کاملا فراموش شده است.

ولی، بهررو، تا آن حدی که بو زیلا توانست در چونگکینگ پیش برود، برکنار کردن او آن چنان بحران وخیم سیاسی ایجاد کرده است، که حزب کمونیست چین قادر نخواهد شد پیام های سیاسی بو زیلا را به آسانی در خاک دفن کرده و تلاشش را در توجه کردن به معضلات اجتماعی که مدل چونگکینگ را تشکیل داد به کناری جارو کند. اگر حزب کمونیست قصد دارد در قدرت بماند، باید بین سؤال نگران کننده ی ناآرامی های اجتماعی و اوضاع بحران اقتصاد جهانی توازنی ایجاد کند- در همان آن به انتظارات ارائه شده در مدل چونگکینگ نیز توجه کند. شاید، دقیقا بر چنین بستری است که می توان سرمقاله ی 11 آوریل 2012 روزنامه ی خلق را ارزیابی کرد. نه اینکه از اطلاعیه ی همچون انفجار بمب برکناری بو زیلا دنبال روی کرد، روزنامه ی خلق چنین ادامه دادند: «بیش از 200000 مقامات شانزی بسوی توده ها رفتند». چونکه هیچ یک از نواحی چین کار تاثیر گذارتری از فرستان مقامات دولتی برای دیدار با توده های مردم توسط بو زیلا در چونگکینگ نکرده اند، خط حزب روشن بود: «مرگ بر بو زیلا، زنده باد خط توده های مردم!»

اینکه آیا در برکنار کردن بو زیلا « رهبران چین آخرین مرحله ی مهمی در نفی راه سوسیالیسم چین را نمایندگی می کنند» هنوز، این سؤال آینده است. ولی بهر حال، تاکنون افسانه ی «بو زیلا» بسیاری از مسائل غیر عادی طنزآمیز را رو کرده است: در یک سیستم سیاسی که اجازه ی کمپین علنی و واقعی برای رقابت به مقام های بالا را نمی دهد، بو زیلا به تنهایی چنین کمپینی را بر پایه ی یک پلتفرم سیاسی کاملا روشن و برنامه ی اجتماعی اقتصادی مردمی به راه انداخت، گذشته از این «بو زیلا» نه به خاطر قهرمان ارزش های لیبرال دموکراسی شدن، بلکه با دوباره تقویت کردن تئوری ها و پراتیک های انقلاب کمونیستی چین محبوبیت پیدا کرد، و بالاخره، گرچه لیبرال های چین و نئولیبرالها مدتها بود که برای رقابت سیاسی به شیوه ی غربی و آزادی مراد داده داد می زدند، در پیروزی بر و شکست دادن «بو زیلا» آنها به سانسور وسیع رسانه ها و مرادده های چپی ها از طرف دولت تکیه کردند. در پایان، یک سؤال بس جدی باقی می ماند: آیا برکنار کردن «بو زیلا» به عنوان یکی از رقبای رسیدن به مقام رهبری کشور و سرکوب دستگاه مرادده ی چپی ها بالاخره چین را به یک محیط امن برای نوع «رفرم سیاسی» مطلوب و بهشت امن سرمایه داری جهانی تبدیل خواهد کرد؟

برگردان: مراد عظیمی

یاد داشت

علاقمندان می توانند با نوشتن عبارت 1 و نام 2 در جستجوگر گو اطلاعات بیشتر در باره ی اصلاح برنامه ی حزب کمونیست چین و همچنین گزارشات درباره ی «بو زیلا» کسب کنند:

1- Revise to Chinese Constitution

2- Bo Xilai

